

# زندگی ام تنها ورزش بوده است



کوتاه از زندگی و خاطرات  
علیرضاجهانبخش،  
پیشکسوت ورزش مدارس  
گفت و گو: ائلدار محمدزاده صدیق

گفت و گو  
با پیشکسوتان



اشاره

از عمر علیرضا جهانبخش بیش از هفت دهه می‌گذرد و هنوز هم از تعلیم و تربیت دانش‌آموزان در درس ورزش خسته نشده است. زندگی او بهترین گواه بر ادعایش، یعنی عشق به ورزش است.

ایشان درباره عشق به ورزش می‌گوید: «من عاشق ورزش بودم و ورزش را با بدنسازی شروع کردم. در دوره دبیرستان به ورزش‌های فوتبال، والیبال و به‌ویژه شنا بسیار علاقه‌مند شدم. دانشسرای کشاورزی را به دانشسرای تربیت‌بدنی تبدیل کردم. چون رئیس آن یکی از قهرمان‌های دوومیدانی کشور بود و ورزشکارها را انتخاب می‌کرد. بیش‌تر ما کار ورزشی می‌کردیم تا کشاورزی، در اصل آن‌جا مبنای پایه کار ما ریخته شد و هیچ‌وقت از ورزش جدا نبودیم و حتی وقتی که معلم کشاورزی بودم، آن‌جا یک مدرسه ورزش درست کردم. تمام زندگی من ورزش بوده است.»

در ادامه شرح مختصری از زندگی و خاطرات این پیشکسوت ورزش کشورمان می‌آید:

### تولد و کودکی

متولد سال ۱۳۱۵ شهرستان دزفول هستم. از کودکی علاقه بسیاری به ورزش داشتم و اوقات فراغتم را به ورزش و بازی در محله می‌گذراندم. شنا در برکه و رودخانه‌ها و دوومیدانی تنها سرگرمی ایام کودکی من بود.

نماد که فاصله خرم‌آباد تا ده ماسور حدود یک ساعت بود که با دوچرخه طی می‌کردم. من همراه دیگر معلمان مدرسه با دوچرخه صبح و بعدازظهر این مسافت را طی می‌کردیم.

### تحصیلات تکمیلی و اعزام به تهران

من بسیار مشتاق ادامه تحصیل بودم و چون دیپلم دانشسرای کشاورزی ناقص بود، برای ورود به دانشگاه نیاز به دیپلم کامل، یعنی دیپلم ادبی، ریاضی یا طبیعی بود و از آن‌جا که با طبیعت سروکار داشتم، دیپلم طبیعی را انتخاب کردم و بدون دبیر طی دو سال موفق به اخذ دیپلم طبیعی شدم. همان سال با تقاضای انتقال بنده به تهران موافقت شد و من در سال ۱۳۴۲ به عنوان معاون دبستان سعدی در ناحیه ۹ تهران مشغول شدم. در سال ۱۳۴۴، کنکور

دانشسرای عالی را دادم و در رشته تجربی قبول شدم، اما علاقه‌مندی شدید من به ورزش سبب شد تا پس از دو سال از تجربی به تربیت‌بدنی تغییر رشته بدهم که تعجب همگان از اساتید و کادر دانشگاه‌ها تا دانشجویان را برانگیخت، زیرا من در رشته تجربی موفق بودم و از دانشجویان ممتاز دانشکده محسوب می‌شدم، اما تنها علاقه‌مندی من به ورزش سبب این تغییر

رشته شد.

پیش از همه، یک معلم ورزش باید اطلاعاتش به‌روز باشد و از اوضاع و احوال ورزش مملکت و ورزش دنیا آگاه باشد و بعد از آن اوضاع و احوال کلاس خودش را بداند و باید در بچه‌ها استعدادیابی کند

### برگزیدن دبیری ورزش به‌عنوان حرفه اصلی

علاقه‌مندی شدید من به ورزش و تحصیل در این رشته سبب شد پس از اتمام تحصیلات به‌عنوان معلم ورزش دبستان سعدی و پس از اخذ لیسانس دبیر ورزش دبیرستان صورتگر و سپس دبیر ورزش دبیرستان محمدطاهر بهادری (حزب‌الله فعلی) باشم. در آن دبیرستان به کمک آقای تقی سماوات رئیس تربیت‌بدنی، که من همیشه به نیکی از ایشان یاد می‌کنم، تیم‌های صاحب‌نامی را به ورزش آموزشگاه‌ها تقدیم کردیم و بسیاری از دانش‌آموزان به تیم ملی رسیدند. واقعاً دبیرستان بهادری یکی از افتخارات زندگی‌ام است.

### ورزش‌های حرفه‌ای که به آن‌ها پرداختم

ورزش شنا را تا پایان پی‌گرفتم و مدرک درجه دو و درجه یک نجات غریق را گرفتم. ILC و مدارک بین‌المللی مهمی را نیز با گذراندن دوره‌ای در دانشکده وارویک انگلستان اخذ کردم. در مدت یک سال و طی آن دوره به‌قدری توانایی از خود نشان داده بودم که مربی کلاس درجه سه انگلیسی‌ها

### تحصیلات و علاقه‌مندی به ورزش

پس از اتمام دوره مقدماتی و متوسطه، در دانشسرای کشاورزی اهواز دو سال مشغول تحصیل شدم و پس از آن تا مقطع فوق‌دیپلم در مهرماه ۱۳۴۹ در کسوت معلم کشاورزی در یکی از روستاهای شهرستان خرم‌آباد، ده ماسور، مشغول به کار شدم. نزدیک پنج سال معلم کشاورزی بودم. در این مدت، از روی عشق و علاقه بسیاری که به ورزش داشتم، محیط دبستان را به باشگاهی ورزشی تبدیل کردم. با چسباندن دو تابلوی تخته سیاه به هم یک میز تنیس رومیزی درست کردم و در حیاط مدرسه که از نظر آب و هوا بسیار عالی بود، یک بارفیکس و یک پارالل و وسایل بدنسازی راه انداختم. در آن محیط سرسبز و فضای عالی که خود به وجود آورده بودم، یک زمین والیبال و فوتبال نیز احداث کردم. هرگز فراموش نمی‌کنم کشاورزی همراه ورزش زندگی تازهای به من بخشیده بود و شاید جزو بهترین دقایق عمرم محسوب می‌شد. بچه‌های روستا ضمن فراگرفتن کار کشاورزی، دامپروری و مرغداری بیش‌تر علاقه‌مند به ورزش شده بودند. همه‌روزه از ساعت ۱۱:۱۵ به ورزش گروهی می‌پرداختیم. ناگفته

## سال‌های خدمت به ورزش کشور

این‌جانب در کل در وزارت آموزش و پرورش حدود ۲۴ سال؛ حدود ۱۰ سال در فدراسیون نجات غریق و حدود ۲۰ سال در دبیرستان کوثر به‌عنوان دبیر ورزش انجام وظیفه کرده‌ام.

## نگاهی به وضعیت تربیت‌بدنی در مدارس

اگر بخواهیم این موضوع را اصولی بررسی کنیم ورزش در مملکت یعنی آموزشگاه‌ها، پایه و اساس تعلیم و تربیت سال‌های ابتدایی است. دانش‌آموز قبل از ورود به مقطع ابتدایی، یعنی در دوره پیش‌دستانی و قبل از آن، باید ورزش را شروع کند و بهترین مربیان را داشته باشد که متأسفانه، ما این را در مدارس مان نداریم.

وقتی که من متصدی تربیت‌بدنی آموزشگاه‌ها بودم این کار را شروع کردم و پایه معلم ورزش را در کلاس‌های ابتدایی گذاشتم، زیرا عقیده من بر این بود که ورزش باید از مقطع ابتدایی شروع شود و اگر دانش‌آموز از کلاس اول تا پنجم ابتدایی چهار ستون بدنش ساخته نشود، او دیگر نمی‌تواند در راهنمایی و دبیرستان موفق شود. اگر دقت کرده باشید در کشورهای نظیر چین و روسیه بیش‌تر قهرمانان دانشجویان هستند و علت آن نیز این است که از ابتدا پایه و اساسشان درست بنا شده و حالا به این موفقیت دست یافته‌اند.

ما در هر مقطعی مشکلات عدیده‌ای داریم. همواره عقیده من بر این است که تمام امکانات ورزشی سازمان تربیت‌بدنی باید در اختیار آموزش و پرورش باشد، آموزش و پرورش در بخش تربیت‌بدنی غنی نیست و سهم کمی دارد. حتی در خود آموزش و پرورش هم اگر بتوانیم معلمان ورزش را از نظر مالی حمایت کنیم آن‌ها می‌توانند در محیطی که دارند، بهترین قهرمان‌های تیم ملی را بسازند. متأسفانه، از نظر مالی وضع معلمان ورزش ما خوب نیست، دغدغه دارند و ناراحت هستند، اول باید آرامش را در معلم ورزش به وجود آورد تا او بتواند دانش‌آموز را بسازد. در درجه اول، حرف اول را مسائل مالی می‌زند و اگر کسی آرامش مالی نداشته باشد، نمی‌تواند راحت باشد، به‌جز عده محدودی که عاشق هستند و این کار را انجام می‌دهند. یک معلم باید بتواند از نظر مالی در مرحله‌ای قرار بگیرد که خودش را اداره کند و بعد بتواند به کارش ادامه دهد.

## ایجاد امکانات ورزشی

۷۰ درصد موفقیت در ورزش به فراهم بودن امکانات مناسب ورزشی بستگی دارد. در یک کلاس درس، معلم تنها به یک تابلو برای نوشتن و محیطی آرام و جایی مناسب برای

شدم، به‌عنوان مربی به آن‌ها درس می‌دادم و امتحان می‌گرفتم.

در دوران جوانی و میان‌سالی بسیار به شنا علاقه‌مند بودم و مرتب در آب بودم، شنا می‌کردم، تعلیم می‌دادم، شاید به بیش از دو-سه هزار دانش‌آموز، شناهای گوناگون را آموخته باشم. علاوه بر شنا به فوتبال و والیبال نیز بسیار علاقه‌مند بودم.

## انتخاب به‌عنوان رئیس تربیت‌بدنی

در سال ۱۳۵۷ به‌عنوان رئیس تربیت‌بدنی منطقه ۱۳، با حفظ سمت دبیری ابلاغ گرفتم. بحمدالله در آن ناحیه هم موفق بودم. تکمیل سالن‌های ورزش و ایجاد زمین فوتبال و چمن و احداث سالن‌های بسکتبال، والیبال، ژیمناستیک، کشتی و راه‌اندازی باشگاه‌های ورزشی برای ایام فراغت دانش‌آموزان از جمله فعالیت‌هایم در آن دوران بود.

## مدیرکل تربیت‌بدنی آموزشگاه‌های کل

کشور

در زمان وزارت شهید دکتر باهنر، به‌عنوان مدیرکل تربیت‌بدنی آموزشگاه‌های کل کشور انتخاب شدم. که واقعاً در آن زمان با مشکلات فراوانی روبه‌رو بودم که به خواست خداوند متعال مشکلات یکی پس از دیگری برطرف شد.

## ریاست فدراسیون نجات غریق و

موفقیت‌های دیگر

هم‌زمان با مدیرکلی تربیت‌بدنی آموزشگاه‌های کل کشور، ریاست فدراسیون نجات‌غریق را عهده‌دار بودم. پس از بازنشستگی از آموزش و پرورش، کار فدراسیون نجات غریق را حرفه‌ای‌تر ادامه دادم. به‌عنوان رئیس، نایب‌رئیس، دبیر، ریاست کمیته آموزش در دوره دانشسرای عالی با داشتن مربیان بسیار قوی و چهار اردوی تابستانی در اردوگاه شهید باهنر (منظریه) به‌راحتی توانستم کارت درجه دو و درجه یک نجات غریق و سپس کارت‌های بین‌المللی دریایی و استخری را بگیرم. با حضور در کلاس نجات‌غریق دانشگاه وارویک انگلستان موفق به اخذ کارت و گواهینامه شدم و توانستم بنا به پیشنهاد مربی کلاس درجه ۳ انگلیسی‌ها را اداره کنم. در زمان تصدی ریاست کمیته آموزش فدراسیون قرار شد تا به پیشنهاد فدراسیون جهانی نجات غریق، یک دوره کلاس نجات بین‌المللی برای کشورهای عربی برگزار شود که این‌جانب به‌عنوان سرپرست گروه اعزامی انتخاب شدم. کلاس در شهر لاذقیه (لاتاکیا)، کنار دریای مدیترانه، و با استقبال بی‌نظیری برگزار شد. بحمدالله با موفقیت کامل دوره به پایان رسید، و از تمام کشورهای عربی در کلاس شرکت کرده بودند.

داخلی بدن، عروق، چشم، گوش، حلق و بینی را بیان می کند تا نقش و عملکرد هر یک از آن را در انجام ورزش مشخص کند، اما ورزش یعنی رشته‌ای به خصوص که شما مدنظر دارید.

### توانایی معلمان تربیت‌بدنی مدارس

خاطر م هست، یک‌بار شهید دکتر باهنر به من گفتند که آقای جهانبخش سعی کن افرادی را برای تربیت‌بدنی انتخاب کنی که متعهد باشند. آن موقع من معلمان ورزش را به صورت حق‌التدریس استخدام می‌کردم و به مدارس می‌فرستادم و آنها پس از چند سال کار کردن استخدام رسمی می‌شدند. به ایشان گفتم: «اگر اجازه بدهید، افرادی را انتخاب کنیم که هم متعهد و هم متخصص باشند.» در رشته تربیت‌بدنی تعهد تنها کافی نیست. و باید متعهد و متخصص بود. برای معلم ورزش و متخصص شدن باید سالیان زیادی کار کرد و تخصص در ورزش چیزی نیست که با چند شب مطالعه و تمرین حاصل شود. بلکه ورزیده شدن و کار پیوسته می‌خواهد. هم‌اکنون خوشبختانه ما دکترهای جوان داریم که هم ورزشکار هستند و هم علم ورزش می‌دانند، و اهل قلم و کتاب هستند و بیش‌تر معلمان ورزش تقریباً تخصص این کار را دارند و گرنه نمی‌توانند کلاس را اداره کنند. بچه باید شوت کردن یاد بگیرد، وقتی دبیر ورزش خودش بلد نیست چه‌گونه می‌تواند یاد بدهد!

**تأثیر ورزش مدارس در ایجاد علاقه‌مندی در دانش‌آموزان در جهت روی آوردن به رشته‌ای ورزشی به‌طور حرفه‌ای**

پیش از همه، یک معلم ورزش باید اطلاعاتش به‌روز باشد و از اوضاع و احوال ورزش مملکت و ورزش دنیا آگاه باشد و بعد از آن اوضاع و احوال کلاس خودش را بداند و باید در بچه‌ها

آموزش دادن نیازمند است. اما معلم ورزش اگر فضا و امکانات ورزشی نداشته باشد، امکان فعالیت وجود ندارد. زمینی برای والیبال و فوتبال و اگر این امکانات به‌طور هم‌زمان وجود ندارد، دست‌کم سالن یا فضایی چندمنظوره وجود داشته باشد. ماهی باید در آب زندگی کند و مطمئناً برای ماهی زندگی در دریا بهتر از زندگی در رودخانه خواهد بود.

در بیش‌تر مدارس ابتدایی و بعضی مدارس غیرانتفاعی، فضایی برای جنب‌وجوش وجود ندارد تا در زنگ تفریح به راحتی بتوانند فعالیت کنند. هر چه امکانات داشته باشیم دست و بالمان بازتر است و بهتر می‌توانیم فعالیت کنیم.

### جایگاه کنونی ورزش در نظام آموزش و پرورش

ورزش در نظام کنونی آموزش و پرورش جایگاه جالبی ندارد. در بررسی کلی اساس ورزش هر مملکتی آموزش و پرورش است.

رؤسای مختلفی و مدیران کلی که در رأس سازمان تربیت‌بدنی و تربیت‌بدنی آموزشگاه‌ها قرار گرفتند، هر کدام الگو و برنامه‌ای داشتند. من معتقدم، اشخاص با رفتن نباید برنامه‌هایشان را خراب کنند یا از بین ببرند. اگر برنامه‌ای خوب وجود داشته باشد، باید ادامه یابد. کارهای مثبت تقویت و کارهای بد متوقف شود. کسی که رئیس سازمان تربیت‌بدنی می‌شود، باید به همه جنبه‌های ورزش آگاه باشد. کارهای فنی، مدیریتی و ساختاری را بداند و اگر کسی در رأس سازمانی قرار بگیرد و اطلاعاتی نداشته باشد، خرابش می‌کند.

چرا سهم ورزشکاران ما در مسابقات جهانی باید تنها یکی دو مدال باشد. به نظر می‌رسد که علت آن ضعف در ورزش است. ضعف ورزش ما در آموزشگاه‌های ما است، اگر آموزش و پرورش ما درست شود، ورزش مملکت درست خواهد شد.

### ارتباط سازمان تربیت‌بدنی و آموزش و پرورش

این ارتباط به دو رئیس این سازمان‌ها بستگی دارد. این دو باید در کنار هم بایستند، یعنی بهتر است که با هم همکاری داشته باشند. امکاناتی که سازمان تربیت‌بدنی از آن برخوردار است، آموزش و پرورش ندارد. اگر آن امکانات در اختیار سازمان دانش‌آموزی قرار بگیرد، خیلی خوب استقبال می‌شود.

### ورزش و تربیت‌بدنی چه تفاوت‌هایی با

هم دارند

تربیت‌بدنی شامل بسیاری از ورزش‌ها و اصول آن است، اما ورزش رشته‌ای تخصصی و قابل بیان و پیگیری است. تربیت‌بدنی فیزیولوژی بدن و تأثیر ورزش بر دستگاه‌های

ضعف ورزش ما در آموزشگاه‌های ما است، اگر آموزش و پرورش ما درست شود، ورزش مملکت درست خواهد شد

داریم. معلم ورزش ما باید هم به فوتبال، والیبال، بسکتبال و... تسلط داشت باشد. در وضعیت فعلی آموزش و پرورش، اگر می‌بینید دانش‌آموزی استعدادش گل می‌کند و به جایی می‌رسد، ۸۵ درصد به توانایی و پیگیری خودش برمی‌گردد و تنها ۱۵ درصد معلم کمکش می‌کند، تا در آن رشته پیشرفت کند. اما با فراهم‌سازی نکاتی که من بیان کردم، معلم ۹۰ درصد در استعدادیابی و شکوفاسازی بچه‌ها نقش خواهد داشت.

### استعداد ذاتی یا تربیت ورزشی در مدارس

هم‌اکنون در بیش‌تر محلات در شهرهای مختلف ایران می‌بینیم که گروهی از بچه‌ها به دنبال یک توپ پلاستیکی می‌دوند. این‌ها استعداد ذاتی دارند و به‌وسیلهٔ یک رابطه باشگاهی را پیدا می‌کنند و می‌روند در آن باشگاه موفق می‌شوند. چه‌بسا ما بهترین بازیکنان را داریم که گمان‌اند و کسی را هم ندارند که این‌ها را به جایی برساند، چون هدایت ورزش در کشور روال درستی ندارد. اگر واقعاً این‌ها جا و مکان درستی داشته باشند و از کودکی هدایت شوند، موفقیت‌های بیش‌تری به دست خواهند آورد. برای ورزش در کشور ما هدایت و سازمان‌دهی درستی وجود ندارد و حتی در آموزش و پرورش، نقشه‌ای نداریم که بگوییم که طبق این نقشه می‌خواهیم ورزش را در آموزش و پرورش هدایت کنیم.

### لزوم وجود نقشهٔ راه در ورزش

در ابتدای انقلاب زمزمه بر این بود که در صورت ایجاد وزارت ورزش، کارها تفکیک می‌شد و سازمان ورزش برنامه‌ای جداگانه داشت. در سازمان ورزش شرح برنامه‌ای بود و اساسنامه‌ای داشتند و شرح وظیفه داشتند که چه کار کنند، که روال انجام این کار گاهی تند شد و گاهی کند شد و عملی نشد. اما در آموزشگاه‌ها چون همهٔ کارها براساس حساب و کتاب بود، تمام فدراسیون‌ها را معلمان ورزش می‌چرخاندند، هم‌اکنون نیز اگر در برخی از فدراسیون‌ها

استعدادیابی کند. تنها در اختیار گذاشتن وسایل ورزشی برای دانش‌آموز کافی نیست ابتدا باید به کارهای مقدماتی پرداخت و در دو سه هفته با نرمش‌های مختلف وضعیت جسمانی دانش‌آموزان را آماده کرد و بعد در رشته‌های مختلف آن‌ها را ارزشیابی کرد، بچه‌ای که استعداد فوتبال ندارد یا اصلاً دوست ندارد و می‌خواهد والیبالیستی خوب باشد، باید هدایت شود. همان‌طور که دانش‌آموزی که دوست دارد تنیس روی میز، بسکتبال یا شنا بازی کند، بایستی به سمت رشتهٔ دلخواهش هدایت شود. این استعدادها باید در مدارس کشف شوند و هدایت شوند. مدارس در یک رنگ ورزش باید دو یا سه دبیر ورزش داشته باشند. وقتی استعدادیابی شد، دبیری که تخصصش در بسکتبال است، به این رشته می‌پردازد و این مسأله در خصوص فوتبال، والیبال و سایر ورزش‌ها نیز صدق می‌کند.

اگر در مدرسه‌ای این‌چنین شود، بچه‌ها به سرعت به تیم ملی می‌رسند. زیرا استعداد آن‌ها را شناسایی کرده‌ایم و امکانات لازم و مربی متخصص را در اختیار او قرار داده‌ایم و او را راهنمایی می‌کنیم، برنامهٔ تغذیهٔ مناسب به او می‌دهیم. معلم ورزش خوب بایستی اطلاعات روان‌شناسی و روان‌کاوی هم داشته باشد و از چشم‌های بچه بفهمد که به او چه گذشته است. وقتی چنین امکاناتی داشته باشیم، دیگر تیم ملی حرف اول را خواهد زد.

البته این توانایی در آموزش و پرورش ما خیلی کم وجود دارد. ما یک معلم ورزش برای ۳۵ نفر دانش‌آموز یک کلاس

من به دنبال عشقم یعنی ورزش  
رفتم و پشیمان هم نیستم و  
بسیار خوشحال هستم و اگر  
صد بار دیگر به این دنیا بیایم  
باز هم معلم ورزش  
می‌شوم



هستم و ۱۰ سال در فدراسیون نجات غریق بودم. پس حتماً عاشق بودم که به سراغ این کار رفته‌ام.

### سایر علاقه‌مندی‌ها

اهل موسیقی هستم. پیش استاد اسدالله ملک موسیقی بیاد گرفتم و هم‌اکنون هنرجویان متعددی نزد من نواختن ویلن را می‌آموزند. باید اعتراف کنم که دو چیز من را زنده نگاه داشته است یکی ورزش به‌ویژه در آب و دیگری موسیقی.

### عامل موفقیت‌ها

نخست، توکل به خدا، صافی و خلوص نیت و دوم، پشتکار و جدیت. من به دنبال عشقم یعنی ورزش رفتم و پشیمان هم نیستم و بسیار خوشحال هستم و اگر صد بار دیگر به این دنیا بیایم باز هم معلم می‌شوم.

### باور کردن توانایی‌ها و تأثیر آن بر موفقیت‌ها

سلامت جسمی من تأثیر بسیاری در موفقیت من داشت. چهار سال معلمی در روستا و پیمودن مسافت روزانه ۲۰ کیلومتر با دوچرخه، بدنسازی خوب، علاقه به شنا از کودکی از عوامل دیگری بودند که در موفقیت من تأثیر داشتند. باید اذعان کنم، اگر امکاناتی که در تهران است در شهرستان‌ها هم وجود داشت، شاید بسیاری از ورزشکاران شهرستانی قهرمان جهان هم می‌شدند.

### پیام آخر

نام نیکو گر بماند ز آدمی  
به که از او ماند سرای زرنگار  
گر به دولت برسی، مست نگردي مردی  
گر به محنت برسی، سست نگردي مردی  
مردی نبود فتاده را پای زدن  
گر دست فتاده را بگیری مردی  
این جوان‌ها به گردن ما حق دارند، اگر کاری برای آن‌ها نکنیم در مقابل خدایی باید پاسخ‌گو باشیم که این شب و روز را آفرید و ما را از نیستی به هستی و از هستی به نیستی می‌برد. از هرگونه کاری برای این جوان‌ها نباید غافل شد. این جوان‌ها مال این آب و خاک و سرزمین هستند.  
اگر لقمه‌ای نان امروز می‌خوریم، دعای خیر پدر و مادر است که پشت سر ما بوده است. حتی اگر در بدترین اوضاع مالی قرار گرفتید، به حرفشان گوش دهید، لحظات آنی زودگذر را در دست نگیرید، بگذارید لذت معنوی ببرید. اگر به حرف بزرگ‌تر و پدر و مادرتان گوش دهید، به همه چیز می‌رسید.

حرکتی است به خاطر ورود معلمان ورزش در آن‌هاست. پس باید وزارت ورزش وجود داشته باشد و این وزارت نقشه‌ای راهبردی داشته باشد و طبق آن ورزش را ساماندهی و هدایت کرد. هر کاری باید برنامه‌ریزی مدونی و اساسنامه داشته باشد، شرح وظیفه‌ای باشد و ممکن است که شرح وظیفه‌ای برای معلم ورزش بنویسند، اما معلم ورزشی که قالبش تهی است، چه‌گونه می‌تواند بار به این سنگینی را بردارد. در وهله نخست باید معلم ورزش به خوبی انتخاب و تأمین شود و امکانات خوب هم در اختیارش قرار گیرد، آن موقع نتیجه خواهد گرفت.

### ورزش مدارس، در اوضاع کنونی

هم‌اکنون در برخی مدارس ابتدایی اصلاً معلم ورزش وجود ندارد. وقتی معلم ورزش وجود ندارد، چه برنامه‌ای می‌تواند داشته باشد؟! معلم ادبیات، تعلیمات دینی و... می‌رود ورزش درس می‌دهد، ورزش دنیای دیگری دارد و ما خودمان کم می‌آوریم.

اگر من می‌خواستم که بروم سر کلاسی درس بدهم، یک هفته مطالعه می‌کردم و با مطالعه کتاب‌های خارجی سر کلاس می‌رفتم. سرفصل‌های برنامه ورزش در مدارس هر سال به مدارس ابلاغ می‌شود که شامل مجموعه‌ای مسائل بدنی، آمادگی جسمانی، تعدادی شورا و مسابقات داخلی و خارجی است. ولی این‌ها کامل انجام نمی‌شود. یعنی به‌طور کامل خیلی از دبیرستان‌ها هستند که شاید یک تیم هم به خارج از منطقه خودشان اعزام نکنند.

### اگر به گذشته برمی‌گشتید، باز هم معلم

#### ورزش می‌شدید

همان‌طور که گفتم من در دانشسرای عالی و در رشته تجربی قبول شدم و اگر در همان رشته ادامه می‌دادم، هم‌اکنون باید لیسانس شیمی داشتم. اما به قدری عاشق ورزش بودم که رشته تحصیلی‌ام را رها کردم و به سراغ تربیت‌بدنی رفتم و اگر ۵۰ دفعه دیگر هم کنکور بدهم به سراغ تربیت‌بدنی خواهم رفت. واقعاً از این کار لذت می‌بردم.

### بزرگ‌ترین آرزوی ورزشی من

این است که جوان‌های بااستعداد ما، که هیچ چیزی از خارجی‌ها کم ندارند و بلکه سرتتر هستند، از امکانات ورزشی مناسب برخوردار باشند و به سمت ورزش دلخواهشان هدایت شوند. من وقتی جوانی را در حال ورزش می‌بینم، لذت می‌برم. من از ۷۵ سال سنی که دارم، ۵۴ سالش را معلم ورزش و ۲۴ سال در آموزش و پرورش بودم و ۲۹ سال در این دبیرستان